

بررسی جایگاه زنان در اشعار معجز شبستری و سید اشرف‌الدین گیلانی

زیبا اسماعیلی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۹

چکیده

انقلاب مشروطه، مسائل زنان را به عنوان یکی از محوری‌ترین موضوعات اجتماعی مورد توجه قرار داد. شاعران ترک‌زبان در کنار شاعران فارسی‌گو به انتشار مشکلات اجتماعی مربوط به زنان پرداختند. شاعرانی چون معجز شبستری و سید/شرف‌الدین گیلانی در این زمره‌اند. این پژوهش به بررسی وجوه اشتراک و افتراق خطوط فکری این دو شاعر در مسائل مربوط به زنان با تکیه بر روش تطبیقی-توصیفی پرداخته است تا مسائل بازتاب یافته در شعر دو شاعر و موضع‌گیری اجتماعی آن‌ها در موضوع زنان را تحلیل و ارزیابی کند. آموزش زنان، تأسیس مدارس برای دختران، مبارزه با مذهب‌بیون مخالف آموزش، مقایسه زنان ایران با زنان کشورهای دیگر، مبارزه با خرافات و ایجاد آگاهی برای زنان، آزادی زنان با رعایت حجاب، مشاغل زنان و ازدواج ایشان از محوری‌ترین مضامین مشترک در شعر هر دو شاعر است. هر دو شاعر بر آموزش زنان تأکید دارند و به مذهب‌بیون مخالف آموزش دختران اعتراض می‌کنند. معجز بر شاغل بودن زنان تأکید دارد اما سید/شرف‌الدین موضع خود در مورد شغل زنان را آشکار بیان نمی‌کند.

کلیدواژگان: ادبیات تطبیقی، شعر ترکی، دوره مشروطه، ادبیات جنسیت.

* استادیار رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران. smaeili_ziba@yahoo.com

مقدمه

دوره مشروطه دوره‌ای تأثیرگذار بر مسائل اجتماعی و فرهنگی بود. در این دوره، شعر فارسی و ترکی متأثر از تغییرات فرهنگی و اجتماعی روزگار شد. میرزا معجز شبستری و سید/شرف‌الدین گیلانی شاعرانی توانمند هستند که مشکلات اجتماعی و فرهنگی زمان خود را در شعر خویش بازتاب دادند و بیش از همه بر مسائل زنان تأکید داشتند. یکی از اهداف ادبیات تطبیقی یافتن وجوه مشترک در اشعار شاعران ملت‌های مختلف با هدف شناسایی اشتراکات فرهنگی آن‌ها است. در این پژوهش دو شاعر مورد بحث دغدغه‌ها و اندیشه‌های اجتماعی مشترکی را در زمینه دفاع از حقوق زنان دنبال می‌کنند و مبارزه‌های انتقادی خود را به زبان شعر بیان می‌نمایند. این پژوهش به روش تطبیقی با رویکرد مکتب آمریکایی وجوه اشتراک تفکرات این دو شاعر، در خصوص آموزش زنان، مبارزه با خرافات و ایجاد آگاهی برای زنان، رعایت حجاب، مشاغل زنان و ازدواج ایشان را مورد واکاوی قرار داده است. جامعه آماری این تحقیق تمام اشعار گردآوری شده در مجموعه اشعار معجز شبستری و سید/شرف‌الدین گیلانی است.

پیشینه پژوهش

پژوهش در زمینه تأثیر ادبیات آذربایجان بر ادبیات فارسی، در دوره مشروطه با وجود اهمیت بسیار آن، چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است. با جست‌وجو در منابع اطلاعاتی مانند نورمگز، مگیران، ایرانداک و... مشخص گردید که تا کنون، هیچ پژوهشی اشعار سید/شرف‌الدین گیلانی و میرزا معجز شبستری را به صورت تطبیقی بررسی نکرده است. تنها پژوهش‌هایی تأثیر اشعار میرزا علی‌اکبر صابر بر اشعار سید/شرف‌الدین گیلانی را بررسی کرده است:

- «بررسی تأثیرپذیری‌های سید اشرف‌الدین گیلانی از شعر میرزا علی‌اکبر صابر»، عبدالرضا سیف، حسین بخشی، نشریه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، زمستان ۱۳۹۱، دوره ۵، شماره ۴ (پی در پی ۱۸) صفحه ۲۰۳-۲۱۴ که نویسندگان در این پژوهش تأثیرپذیری سید/شرف‌الدین از صابر را به سه گونه اقتباس، ترجمه و پاسخ به اشعار او عنوان کرده‌اند. در پژوهش حاضر جایگاه زنان

در اشعار معجز شبستری و سید/شرف‌الدین گیلانی بررسی شده است که با پژوهش یادشده تفاوت موضوعی دارد.

- «بررسی تطبیقی سبک ادبی میرزا علی‌اکبر صابر طاهرزاده و اشعار سیداشرف‌الدین»، مهدی بوشهری، نشریه ادبیات پارسی معاصر، تابستان ۱۳۹۴، دوره ۵، شماره ۲، صفحه ۱-۳۳ که در این پژوهش نیز تأثیرپذیری سید/شرف‌الدین از صابر در سرودن اشعار فکاهی بررسی شده است. در این پژوهش عنوان شده که سید/شرف‌الدین از صابر فقط تقلید یا اقتباس نکرده است بلکه برحسب ذوق شاعری خود لحن، زبان و آهنگ شعر را تغییر داده است. این پژوهش نیز به بررسی اشعار صابر و سید/شرف‌الدین پرداخته است و جایگاه زنان در شعر معجز و نسیم شمال را مورد توجه قرار نداده است. چنانکه بیان شد هیچ یک از پژوهش‌ها به بررسی اشعار سید/شرف‌الدین و معجز شبستری نپرداخته‌اند. از این رو بررسی تطبیقی وجوه اشتراک و افتراق شعرهای معجز شبستری و نسیم شمال در زمینه مسائل مربوط به زنان ضروری به نظر رسید.

مسائل زنان در دوره مشروطه

انقلاب مشروطه یکی از بنیادی‌ترین تحولات سیاسی و اجتماعی در تاریخ ایران محسوب می‌شود. تحولاتی که ریشه در تغییرات فرهنگی بنیادین جامعه آن روز ایران دارد. اندیشه‌های نوگرایانه روشنفکران از طریق ادبیات در بافت جامعه گسترش می‌یافت و جریان فرهنگی جدید را ایجاد می‌کرد. این اندیشه‌های نوگرایانه با الهام از مدرنیسم غربی، در صدد ایجاد تغییر در تفکرات بنیادین جامعه آن روزگار بود. «آشنایی ایرانیان در طول یک صد سال اخیر با تمدن غرب و رفت و آمد آنان با کشورهای اروپایی سبب تحولات عمیق اجتماعی و اصلاحاتی در امور مملکت شد» (کازرونی، ۱۳۹۰: ۱۴۲). بسیاری از تحصیلکردگان آن روزگار در اثر آشنایی با غرب، اندیشه‌های نوگرایانه‌ای چون عدالت اجتماعی، آزادی‌خواهی، وطن (در مفهومی متفاوت از گذشته)، مبارزه با خرافات، تعلیم و تربیت و مسائل مربوط به زنان و... را گسترش دادند. نفوذ و گسترش اندیشه‌های نو، زمینه‌ساز ایجاد جامعه‌ای بود «که آرمانی جز آزادی و استقلال وطن و حقوق زن و

عدالت نداشت و اگرچه انقلاب مشروطیت نتوانست ارزش‌های کهنه را ریشه‌کن کند و اوضاع جامعه را به طور کلی از نظر فرهنگی دگرگون کند اما سبب شد افکار مترقی در جامعه گسترش یابد» (کراچی، ۱۳۸۷: ۸۵). پرداختن به مسائل مربوط به زنان و تعلیم و تربیت ایشان با مشروطه آغاز می‌شود «و یکی از درونمایه‌های اصلی شعر این دوره را تشکیل می‌دهد و در ادبیات قبل انعکاس آن اصلاً وجود ندارد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۳۹).

پیش از مشروطه زنان در محدودیت کامل به سر می‌بردند. آن‌ها از آموزش و تحصیل بی‌نصیب بودند. جمعیت قابل توجهی از زنان بی‌سواد و خانه‌نشین بودند. «زیرا اولاً آموزش همگانی و اجباری نبود، ثانیاً زیربنای فکر سنتی چنان زن‌ستیز بود که باسواد شدن زن را برنمی‌گرفت و خروج زن از خانه حتی برای استفاده از مکتب‌خانه‌های زنانه مورد تأیید فکر رایج نبود» (کار، ۱۳۷۶: ۹).

یکی از عقاید رایج در این دوران در مورد آموزش زنان این بود که «آموزش زنان باعث فساد و تباهی آنان می‌شود. از این رو تعلیم زنان تنها در مکتب‌خانه‌ها رواج داشت» (فتحی، ۱۳۷۹: ۱۲). اظهار نظر تاج‌السلطنه، دختر ناصرالدین شاه، در مورد وضعیت علم‌آموزی زنان، می‌تواند وضعیت اجتماعی و فرهنگی زنان و دختران عصر قاجار را به طور کامل آشکار کند. او در این زمینه می‌گوید: «قدرت، ثروت، افکار عالیه، اخلاق حمیده، ترقیات گوناگون، همه این‌ها از نتایج علم است و ما به این نسبت می‌توانیم ترقی را مترادف علم فرض کنیم اما افسوس و باز هزار افسوس که در آن تاریخ، باب علم به روی نسوان از هر جهت بسته و ابداً راهنما و معلمی برای خود موجود نمی‌دیدند» (تاج‌السلطنه، ۱۳۶۲: ۲۱).

در چنین فضای فکری و فرهنگی، روشنفکران دوره مشروطه برای احیای حقوق فرهنگی زنان تلاش کردند. «نیاز به تغییر شرایط زن ایرانی، ضرورت حضور ایشان در عرصه اجتماع، رها شدن از قید و بندهای جامعه سنتی، برداشتن حجاب و برابری زن و مرد از جمله افکاری بود که ذهن پیشروان و روشنفکران آن زمان را به خود مشغول کرده بود» (سیفی، اسدی‌پور، اسماعیلی، ۱۳۹۳: ۴۲). برای این منظور آموزش زنان و تعلیم و تربیت ایشان از محوری‌ترین مطالبات محسوب می‌شد.

شفیعی کدکنی این مضامین را «نسائیات» می‌خواند که به موضوعات حجاب، احترام به مادر و ستایش زن می‌پردازد (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۸۶). «حجاب زن، حق آموختن خواندن و نوشتن، علم‌آموزی، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، مبارزه با برخی امراض و بیماری‌های اجتماعی مرتبط با مسائل زنان و... از جمله مهم‌ترین مسائلی بود که در شعر این دوره به چالش کشیده شده است» (توکلی محمدی، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۷).

زنان می‌خواستند یاد بگیرند که چگونه بخوانند و بنویسند. با برقراری مدارس دخترانه در تهران، زمینه‌های تحولات اجتماعی فراهم شد. ولی هنوز بسیاری از مردان بر این باور بودند که زنان حق حضور در جامعه را ندارند و باید در خانه بمانند. به همین منظور با تأسیس مدارس برای دختران مخالفت می‌کردند چون این مؤسسات را مغایر سنت‌های پیشین خود می‌دانستند (یزدانی، ۱۳۸۶: ۱۸۴-۱۸۶). در برابر مخالفان آزادی زنان، روشنفکران تلاش می‌کردند پایگاه اجتماعی زنان را تغییر دهند. برخی از روشنفکران تلاش کردند با انتشار مقالات در روزنامه‌ها و مجلات آن دوران، تغییرات فرهنگی و اجتماعی در مورد زنان را زمینه‌سازی کنند. تعدادی از روزنامه‌هایی که در آن روزها منتشر می‌شد، از حقوق زنان دفاع می‌کردند. روزنامه‌هایی چون *صور اسرافیل*، *حبل‌المتین*، *مساوات* و *روزنامه ایران نو*، از همه مهم‌تر روزنامه‌های جریان‌ساز نسیم شمال و *روزنامه ملانصرالدین* جزو این دسته‌اند (یزدانی، ۱۳۸۶: ۱۹۳).

همه این تغییرات، شعر تقلیدی مرسوم در ادبیات دوره قاجار را وارد مرحله جدیدی کرد و مضمون‌های جدیدی چون دفاع از حقوق زنان یکی از مضامین اصلی شعر دوره مشروطه شد. در این میان، شاعرانی چون *دهخدا*، *ایرج میرزا*، *عارف قزوینی*، *میرزاده عشقی*، *ملک‌الشعراء بهار*، *ابوالقاسم لاهوتی* و *سید اشرف‌الدین حسینی گیلانی* (نسیم شمال) در شعر فارسی و شاعرانی چون *میرزا جلیل محمد قلی‌زاده*، *میرزا علی‌اکبر صابر* و *میرزا علی معجز شبستری*، *علی نظمی* و... در شعر ترکی در این زمینه تلاش کردند. «شاعران و نویسندگان روسیه به ویژه در قفقاز و آذربایجان، برای دوری از سانسور تزار، انتقاد از امور اجتماعی و سیاسی را به شکل طنز و فکاهی بیان یا در پرده و لفافه، از اوضاع سیاسی و اجتماعی کشورهای همسایه انتقاد می‌کردند» (بوشهری، ۱۳۹۴: ۶). روزنامه‌نگاران قفقازی چون *میرزا جلیل محمد قلی‌زاده*، *میرزا علی‌اکبر صابر* در روزنامه

ملانصرالدین بخش‌هایی از آثار خود را به حوادث ایران اختصاص می‌دادند. از این رو شهرت و محبوبیت قابل توجهی در ایران داشتند و در شعر فارسی نیز تأثیر قابل ملاحظه‌ای گذاشتند. از آن جمله تأثیر میرزا علی‌اکبر صابر بر اشعار سید اشرف‌الدین گیلانی (نسیم شمال) انکارناپذیر است. «سید اشرف‌الدین وقتی متوجه شعر ترک شد، ذوق زده بسیاری از اشعار صابر را تمام و کمال به فارسی ترجمه کرد چون می‌دانست که چه شوری به پا خواهد کرد که چنین نیز شد» (لنگرودی، ۱۳۷۸: ۴۴).

تأثیرپذیری نسیم شمال از اشعار صابر به شیوه‌های مختلف، ترجمه، اقتباس یا تأثیرپذیری آزاد است. «یک قسمت از اشعار نسیم شمال که از جنبه‌های تاریخی و سیاسی... دارای اهمیت‌اند، اقتباس یا ترجمه آزادی است از اشعار میرزا علی‌اکبر طاهرزاده صابر، گوینده قفقازی، که سید اشرف‌الدین آن‌ها را در اختیار فارسی‌زبانان آن روز... قرار می‌داد» (آرین‌پور، ۱۳۸۲: ۶۴). سید اشرف‌الدین در شیوه طنزپردازی برای بیان مسائل سیاسی و اجتماعی نیز متأثر از روزنامه ملانصرالدین بود (کریمی موغاری، ۱۳۸۲: ۴۷). به این ترتیب در اشعار صابر و نسیم شمال اشتراکات بسیاری می‌توان یافت.

اینکه معجز شبستری تا چه حد تحت تأثیر صابر، شاعر هم‌عصر و هم‌زبان خود بوده است نیاز به پژوهش جداگانه‌ای دارد اما آنچه مسلم است با وجود شهرت بسیار صابر، قطعاً نمی‌توان این تأثیرپذیری را انکار کرد. از طرف دیگر محوری‌ترین افکار انتقادی بازتاب یافته در شعر ترکی این دوران به مسائل و معضلات فرهنگی و اجتماعی روزگار توجه دارد. یکی از این مسائل محوری مسأله زنان است که در شعر هر دو شاعر بازتاب دارد.

معرفی معجز شبستری و نسیم شمال

میرزا علی معجز شبستری یکی از شاعران منتقد ترک زبان دوران مشروطه محسوب می‌شود که در بسیاری از مضامین مهم دوران مشروطه چون بیداری ملت، جهل مردم، مبارزه با خرافات و... به شیوه طنز شعر سروده است. او در سال ۱۲۵۲ش در شبستر چشم به جهان گشود. پدرش از تجار نامدار آن منطقه بود. تحصیلات خود را در مکتب به اتمام رسانید. در ۱۶ سالگی پس از وفات پدر، به دعوت برادرانش به استانبول رفت و

به مطالعه و تحصیل مشغول شد. در سی سالگی به وطن بازگشت و به نوشتن شعر مشغول شد. در بسیاری از اشعارش به مبارزه با خرافات، بی‌سوادی، زورگویی، جهل و نادانی و مشکلات اجتماعی مردم می‌پردازد. یکی از محوری‌ترین مسائل بازتاب یافته در اشعار معجز شبستری، مسأله زنان و دعوت ایشان به حضور در عرصه‌های اجتماعی است. او برای تحقق این هدف بسیار تلاش نمود، حتی با کمک ریاست معارف آن روزگار مدرسه دخترانه‌ای در شبستر دایر کرد. او در سال ۱۳۱۳ ش وفات یافت (کلیات میرزا علی معجز شبستری، ۱۳۶۵: مقدمه نقل به ترجمه). سید اشرف‌الدین حسینی قزوینی معروف به گیلانی فرزند سید احمد حسینی قزوینی در سال ۱۲۸۸ ق به دنیا آمد. در شش ماهگی از نعمت پدر محروم شد و تحت حمایت مادر، بزرگ شد. پس از فراگیری علوم مقدماتی در قزوین، برای ادامه تحصیلات به عتبات رفت و پس از پنج سال به ایران بازگشت. در رشت سکونت گزید و روزنامه نسیم شمال را منتشر کرد. در این روزنامه با زبان طنز نواقص اجتماعی و فرهنگی جامعه، مسائل مربوط به مشروطه و مسائل سیاسی آن روزگار را منتشر کرد که با استقبال کم‌نظیر مردم مواجه شد. عشق به وطن، آزادی، مشروطه، مسائل مربوط به زنان، اعتقادات مذهبی و حمایت از اسلام اصلی‌ترین موضوعات بازتاب یافته در اشعار سید اشرف‌الدین گیلانی است. سرانجام در پایان عمر به اختلال حواس متهم شده، در بیمارستان روانی بستری شد. تاریخ مرگ او را فروردین ۱۳۱۳ ش نوشته‌اند (نصرتی، ۱۳۷۹: ۱۸۹-۱۹۲).

بررسی جایگاه زنان در شعر معجز شبستری و نسیم شمال

جایگاه و هویت زنان در اشعار میرزا معجز شبستری و سید اشرف‌الدین گیلانی به صورت گسترده مورد توجه قرار گرفته است. مواضع ایشان در مسائل مربوط به زنان با تفاوت‌های جزئی در شعر هر دو منعکس شده است.

۱. آموزش زنان

آموزش و تعلیم زنان، یکی از گسترده‌ترین مفاهیم شعر دوره مشروطه است. در این دوران «مسأله زن و تربیت و آموزش زن در مرکز بحث‌ها و مقالات قرار گرفت» (شفیعی

کدکنی، ۱۳۹۰: ۸۶). یکی از محوری‌ترین مفاهیم اجتماعی در اشعار میرزا معجز شبستری و سید/شرف‌الدین گیلانی نیز آموزش زنان است. در نظر معجز شبستری یادگیری سواد سبب می‌شود که زنان و دختران برای خواندن و نوشتن نامه‌های‌شان به مردان غریبه مراجعه نکرده، اسرار زندگی‌شان را نزد هر کس فاش نکنند:

او خوب یاز میان انسان اولار نامحرمه محتاج
سوادیز اولسا، اولماز هیچ کس اسراریزه واقف
گیدیب اگلشمهز اغیاریله گر یازماق بیله قیزلار
سوادیز اولماسا سریز دوشر دیلدن دیله قیزلار
پیمبر امر ایدیب تحصیل ایتمک کل ذیعقله
گرک اهل سواد اولسون تامما عاقله قیزلار
(معجز شبستری، ۱۳۶۵: ۵۹)

- انسانی که نخواند و ننویسد به نامحرم محتاج می‌شود / اگر دختران نوشتن بدانند هم‌نشین اغیار نمی‌شوند
- اگر سواد داشته باشید هیچ کس به اسرارشان واقف نمی‌شود / اگر سواد نداشته باشید اسرارشان بر سر زبان‌ها می‌افتد ای دختران
- پیامبر تحصیل را به هر صاحب عقلی دستور داده / باید تمام دختران عاقل، باسواد شوند.

سید/شرف‌الدین گیلانی نیز علم‌آموزی را برای مرد و زن واجب می‌داند و این امر را واجب شده از جانب پیامبر(ص) می‌داند:

مرد و زن را رهنما علم است علم
در جهان واجب به ما علم است علم
آنچه پیغمبر به ما واجب نمود
آشکارا بر ملا علم است علم
(گیلانی، ۱۳۷۱: ۴۰۷)

نسیم شمال بر درس خواندن دختران تأکید می‌کند و درس خواندن را سبب بیداری دختران و فرهیختگی ایشان می‌داند:

آن دختر ده ساله اگر درس بخواند
با عصمت و عفت شود و خانه بماند
در مدرسه از خواب شود یکسره بیدار
از عاقبت کار کسی نیست خبردار
(نسیم شمال، ۱۳۷۱: ۶۰۳)

معجز شبستری به زنان سفارش می‌کند که کتاب را همدم خود کنند:

دور داغیت جهل ائوین خراب ایله / علمسـیزلیقدان اجتناب ایله
گیجه‌لر همدمین کتاب ایله / که او هر غصه و غمی داغیدار
(همان: ۱۹۴-۱۹۵)

- برخیز و خانه جهل را خراب کن / از بی علمی اجتناب کن
- شبها کتاب را همدم خود کن / که او هر غم و غصه‌ای را از میان برمی‌دارد.

۲. علم آموزی بهترین زیور زنان

به عقیده معجز، علم بهترین زیور برای اخلاق زنان است. او می‌گوید زنانی که هر لحظه صورت خود را آرایش می‌کنند، چرا با علم اخلاق خود را مزین نمی‌کنند؟
جمالین هر زمان آینه‌ده تزیین ائدر عورت / نیچون اخلاقنی ایتمز مزین علمله قیزلار
(همان: ۵۸)

- زن در لحظه صورت خود را در آینه تزیین می‌کند / به چه دلیل دختران اخلاق خود را با علم مزین نمی‌کنند؟

نسیم شمال هم علم و معرفت را زیور و زینت زنان می‌داند و معتقد است زنان باید زینت علم و معرفت داشته باشند نه اینکه تنها به فکر آرایش صورت خود باشند.
دختران باید ز علم و معرفت زینت کنند / تا که با علم و ادب بر شوهران خدمت کنند
با سلیقه جمله اهل خانه را راحت کنند / نه که روز و شب همین آرایش صورت کنند
(گیلانی، ۱۳۷۱: ۷۳۰)

و معتقد است دختر علم آموخته و باهوش از پسر والاتر است:
گر پسر بی‌علم شد دختر از او بالاتر است / دختر باهوش و دانا از پسر والاتر است
(نسیم شمال، ۱۳۷۱: ۷۳۰)

۳. تأسیس مدارس برای دختران

متعاقب تأکید بر لزوم آموزش زنان، تأسیس مدارس مخصوص دختران نیز از دیگر مسائل مطرح این دوران شد. یکی از دستاوردهای اصلی انقلاب مشروطه، آموزش زنان و تأسیس مدارس برای این آموزش بود. اما «با تأسیس اولین مدارس ملی دخترانه

مخالفت‌ها آغاز شد. برای نمونه در سال ۱۳۲۱ ق مدرسه‌ای با نام «پرورش» توسط زنی به نام «طوبی رشیدی» تأسیس شد و هنوز چند روز از تأسیس آن نگذشته بود که مردم به مدرسه حمله‌ور شده و آن را منحل کردند» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ج ۳/ ۱۴۸).

معجز شبستری از تأسیس مدارس برای دختران سخن می‌گوید:

آجدیریر قیزلار ایچون مدرسه اعیان وطن
ئورگه‌دیر اونلارا زیر و زبری من نیلیوم
(همان: ۱۶۶)

- اعیان وطن برای دختران وطن مدرسه تأسیس می‌کنند / به آن‌ها زیر و زبر را می‌آموزند من چه کنم

البته او از اینکه زنان شبستر اقدام به آموختن کرده‌اند خوشحال است و گوید:

بحمدالله والمنه خانم قیزلار شبسترده
چراغ علمینی یاندیردی ایشیقلااندیردی هر یانی
(همان: ۶۳)

- شکر خدا دختران در شبستر / چراغ علم را افروخته، هر طرف را روشن کردند

نسیم شمال نیز از افتتاح مدارس برای دختران سخن می‌گوید:

از بهر دختران شده مفتوح مدرسه
حل گشته مشکلات و مقالات مدرسه
(گیلانی، ۱۳۷۱: ۳۶۴)

۱.۴. اعتراض به مذهبیون مخالف آموزش

آموزش دختران با مخالفت گروه‌هایی از روحانیون، با مشکلات بیش‌تری مواجه شد. «برخی از روحانیون جزم‌اندیش و واپس‌گرا همراه با عوامل حکومت استبدادی قاجار به این امر دامن می‌زدند» (فقیهی، عسگری، ۱۳۹۴: ۳۲۶).

موضع‌گیری دو شاعر در برابر مخالفان آموزش دختران اگرچه شبیه هم است اما معجز شبستری این انتقاد را با زبان تند و گزنده مطرح می‌کند، در حالی که سید /شرف‌الدین مخالفت خود را در لفافه بیان می‌کند. گویی اصلاً نمی‌خواهد مخالفان آموزش دختران را معرفی کند. به نظر می‌رسد که این مسأله تحت تأثیر اعتقادات مذهبی او باشد. او «از ابزار اعتقادات مذهبی برای بیدار کردن ذهن مردم عصر، که

همگان دارای کشش‌های دینی و مذهبی بوده‌اند، بیش‌ترین بهره را می‌برد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۳۶۱).

معجز شبستری به لزوم آموزش برای خودکفایی ملت ایران پی برده است، بنابراین می‌گوید اگر ایرانیان علم و صنعت بیاموزند از بیگانگان بی‌نیاز می‌شوند:

ایرانی قند قایرسا
محتاج اولماز پروسا
آخوند دییر مسلمان
کافر اولار اوخوسا

(همان: ۴۹)

- ایرانی اگر بتواند قند تولید کند / نیازمند روس نمی‌شود
آخوند می‌گوید مسلمان / اگر درس بخواند کافر می‌شود
او مخالفت طبقه روحانیت در برابر تحصیل دختران را به دوران گذشته مربوط می‌داند و می‌گوید اینک روحانیون به تحصیل دختران راضی شده‌اند:

گیرم آخوند آلتی آی ایره‌لی
بویوروردی اوخوتمیون هجری
ایندی که بو ایشه اولوب راضی
ال چکیب‌دیر عناددن قاضی
ایله‌یین چاره‌ای به جهل اناث
وقت فرصت در ای عوام الناس
بویوروبدور او رهنمای جلیل
فرض‌دیر مومنات ایچون تحصیل

(همان: ۵۴)

- فرض کن آخوند شش ماه پیش / می‌فرمود دختران را آموزش ندهید
- حال که به این امر راضی شده / قاضی از عناد دست کشیده
- برای جهل زنان چاره‌ای بیندیشید / ای عوام الناس وقت این موضوع است
- راهنمای جلیل ما فرموده است / تحصیل زنان مؤمن واجب است
نسیم شمال نیز به مخالفت طبقه روحانیت در برابر آموزش زنان اشاره می‌کند و می‌گوید اعتقاد ایشان بر آن است که زنان و بچه‌ها باید در خانه بمانند:

در نمره پنجم چو حمایت ز زنان داشت
او را سه نفر مسأله‌گو مسخره کردند
گفتا که نباید که زنان درس بخوانند
باید که زنان با بچه در خانه بمانند

(نسیم شمال، ۱۳۷۱: ۵۰۰)

انتقاد نسیم شمال از طبقه روحانیت در لفافه و پنهانی عنوان می‌شود. نسیم شمال چندان به این مطلب نمی‌پردازد. در حالی که معجز شبستری از طبقه روحانیت با ذکر جزئیات مخالفت‌های ایشان و با لحنی تند انتقاد می‌کند. او افتتاح مدرسه برای دختران را منوط به اجازه روحانیت می‌داند:

سبز دیردوز که خلق روحانی
سوز دیردوز که خلق روحانی
حاجی آخوند اگر وثره رخصت
قیزلارا مدرسه آچار ملت

(همان: ۵۳)

- شما می‌گفتید که روحانیون / اجازه نمی‌دهند مردم دخترانشان را آموزش دهند

- حاجی آخوند اگر اجازه بدهد / مردم برای دختران مدرسه افتتاح می‌کنند
نسیم شمال در جای دیگری فکر مدرسه و مکتب دخترانه را با زبان طنز به سخره می‌گیرد. اما همچنان در مورد مسخره کنندگان این تفکر صحبتی به میان نمی‌آورد و ترجیح می‌دهد از مخالفان جریان آموزش زنان آشکارا سخنی نگوید:

مدرسه چه؟ علوم چه؟ مکتب دخترانه چه؟
این کره زمین بود به شکل هندوانه چه؟
پر است روزنامه‌ها ز قول خاله و ننه
آهسته بیا آهسته برو که گربه ساخت نزنه
تحفه ز رشت آمده، نسیم شمالش رو ببین
حامی دختران شده، فکر و خیالش رو ببین
مژده علم می‌دهد بر ورقات موقنه
آهسته بیا آهسته برو که گربه ساخت نزنه

(نسیم شمال، ۱۳۷۱: ۱۷۳)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۵. مقایسه زنان ایران با کشورهای دیگر

یکی از مسائل مورد توجه معجز شبستری، مقایسه زنان ایران و روس است که زنان روسی به آموختن مشغول هستند و لذت آن را درک می‌کنند در حالی که حتی مردان ما نیز از این فضیلت بی‌بهره‌اند:

اوخور اوروس قادینی
بیزیم حاجی کشیلر
آنلار علمین دادینی
یازانماز ئوز آدینی

(همان: ۴۹)

- زنان روسی می‌خوانند / لذت علم را درک می‌کنند
 - مردان حاجی ما / اسم خود را نمی‌توانند بنویسند
- همین مفهوم را در شعر نسیم شمال نیز می‌توان دید که دختران اروپا را مشغول تحصیل علم و هنر می‌بیند و دختران ایران را به بیداری و آگاهی دعوت می‌کند:
- آمد بشارت از فلک دختر بود رشک ملک زین مرده دل‌ها بی‌غم است ای دخترک بیدار شو
اندر اروپا سر به سر در علم و تحصیل و هنر زن افضل است و اقدس است ای دخترک بیدار شو
(گیلانی، ۱۳۷۱: ۵۱۳)

۶. مبارزه با خرافات و ایجاد آگاهی برای زنان

یکی از محوری‌ترین موضوعات شعری این دوران، مبارزه با خرافه‌پرستی و جهل است که در آثار بسیاری از شاعران و نویسندگان این دوره، دیده می‌شود. هر دو شاعر تحصیل و آموزش را باعث آگاهی عمومی و برچیده شدن بساط خرافات می‌دانند. معجز شبستری با حسرت آرزوهای خود را به صورت سؤالی مطرح می‌کند که چه زمانی در ایران دختران توانایی خواندن و نوشتن خواهند یافت؟ تکرار پرسش‌ها به نوعی تقویت‌کننده مطالبه‌های فرهنگی و اجتماعی شاعر است.

- | | |
|-----------------------------|--------------------------------|
| تا به کی دیو جهل و استبداد | رهبر فرقه زنان اولاجاق؟ |
| فالچینین تیر مکرینه جاهل | باجیلار تا به کی نشان اولاجاق؟ |
| نه وقت قیز اوخور یازار الله | یارب ایراندا بو هاچان اولاجاق؟ |
- (همان: ۵۷)

- تا کی دیو جهل و استبداد / رهبر فرقه زنان خواهد بود
- برای تیر مکر فالگیرها / تا کی زنان هدف خواهند بود
- کی دختران می‌خوانند و می‌نویسند / پروردگارا این در ایران چه زمانی محقق خواهد شد؟

نسیم شمال نیز ورود به مدرسه را باعث برچیده شدن بساط فالگیرها و رمال‌ها و از بین رفتن خرافات می‌داند:

روشن شد از شعاع مدارس همه عقول از یاد رفت صحبت همزاد، جن و غول

دیگر کس نمی‌خورد از فالگیر گول تسخیر با عزیمت مبدل نمی‌شود
اطفال فکر درس حساب و فرانسه تحصیل درس و مدرسه مجمل نمی‌شود
(گیلانی، ۱۳۷۱: ۳۶۴)

۷. آزادی زنان با رعایت حجاب

رعایت حجاب یا کشف آن از بحث برانگیزترین مباحث این دوران محسوب می‌شود که همگان در مورد آن اتفاق نظر نداشتند. عده‌ای رعایت حجاب را مانع پیشرفت ایرانیان می‌دانستند و اعتقاد داشتند که باید زنان ایران چون زنان کشورهای پیشرفته لباس بپوشند. کسانی چون *ابوالقاسم لاهوتی*، *ایرج میرزا* و *بهار* از این دسته‌اند. اما *نسیم شمال* به دلیل گرایش‌های مذهبی خود، طرفدار آموزش دختران همراه با رعایت حجاب است. موضع‌گیری معجز نیز نزدیک به موضع‌گیری *سید/شرف‌الدین* است.

معجز طالب آزادی زنان در شغل و تحصیل است اما او آزادی‌های اجتماعی را با رعایت حجاب می‌پذیرد و معتقد است زنان باید پاها و بدن خود را پوشانده اما صورت خود را باز بگذارند:

گرک آزاد اولاً اوغلان کیمی قیز چه در صنعت چه در فن کتابت
قیچین ئورتسین گرک، آچسین جمالین وبالی بوینوما روز قیامت
(همان: ۷۲)

- باید دختران مانند پسران آزاد باشند / چه در صنعت و چه در فن کتابت
- باید پای خود بپوشاند و صورتش بگشاید / روز قیامت وبال آن بر گردن من باشد
همین مفهوم در شعر *نسیم شمال* با تأکید بیش‌تر ذکر شده است:
ای دختر من درس بخوان وقت بهار است بیکار به خانه منشین موقع کار است
یک چادری از عفت و ناموس به سر کن وآنگاه برو مدرسه تحصیل هنر کن
(گیلانی، ۱۳۷۱: ۳۰۹)

۸. اشتغال زنان

اشتغال زنان در اشعار معجز شبستری با صراحت و با ذکر جزئیات توصیف شده است. او بر کسب و کار زنان و استقلال مالی ایشان تأکید می‌کند. معتقد است زنان باید شاگرد قصاب و نجار باشند و کسب و کار بیاموزند. شاید این نوع عقاید او تحت تأثیر زندگی‌اش در استانبول شکل گرفته است. معجز از زنانی سخن می‌گوید که به خاطر مخارج زندگی اسیر دست مردان ناشایست شده‌اند. او با حالت سؤال از خود می‌پرسد شرایط ناگوار زندگی زنان تا کی ادامه خواهد شد؟ تکرار سؤال در محور عمودی شعر، این مطالبه اجتماعی او را تقویت می‌کند.

تا به کی بیر تیکه چور کدن اوتور
قیز اسیر فلان فلان اولاجاق؟

تا به کی بیر سفیه نامردین
ظلمی آلتیندا باغری قان اولاجاق؟

(همان: ۵۸)

- تا به کی به خاطر یک تکه نان / دختر اسیر دست فلان فلان خواهد بود؟
- تا کی زیر ظلم یک سفیه نامرد / جگرش خون خواهد شد؟
معجز راه رهایی زنان از وابستگی مالی را در کار کردن ایشان می‌داند و معتقد است زنان باید بتوانند چون مردان به کارهایی چون نجاری و قصابی بپردازند تا در صورت فوت پدر یا همسر به گدایی یا اعمال قبیح نپردازند:

مسلمان عورتی هیچ ایش گورنمز
حرامدر چون اونا کسب و تجارت
اولانماز قیز که بیر عطاره شاگرد
ساتانماز قیز که بیر قصاب کیمی ات
اولارمی که اولا بزازه میرزا؟
اولارمی که ایده خلقه طبابت؟

(همان: ۷۱)

- زن مسلمان هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد / چون کسب و تجارت برای او حرام است

- دختر نمی‌تواند شاگرد عطار باشد / دختر نمی‌تواند که مانند یک قصاب گوشت بفروشد

- آیا ممکن است که شاگرد بزازه باشد؟ / آیا ممکن است که طبابت خلق کند؟

در برابر این تفکر معجز، نسیم شمال به گفتن جملاتی کلی در زمینه شغل زنان می‌پردازد و می‌گوید «دختران باید صاحب صنعت شوند» اما توضیح نمی‌دهد که منظور او از صنعت یا چه صناعی مورد نظرش چیست؟
اولاً بایست دختر صاحب صنعت شود ثانیاً در خانه شوهر رود راحت شود
(گیلانی، ۱۳۷۱: ۵۱۵)

۹. ازدواج زنان

یکی از مشکلات اجتماعی زنان در دوره مشروطه، ازدواج ایشان بوده است. ازدواج در سنین کودکی، چندهمسری مردان، ازدواج دختران جوان با پیرمردان و طلاق آسان زنان از جانب مردان مهم‌ترین مشکلات ازدواج محسوب می‌شده است.

معجز شبستری، مشکلات ازدواج زنان را در شعر خود از چند جهت مورد توجه قرار می‌دهد: ازدواج در سنین کودکی، ازدواج با مردان بوالهوس، اسارت ایشان در دست مردان به خاطر مخارج زندگی و طلاق زنان از محوری‌ترین مفاهیم بازتاب یافته در شعر او است. او به دختران در مورد ازدواج‌های نامناسب هشدار می‌دهد:

ظن ایتمه غم و غصه‌دن آزاد اولاجاقسان	اقبال یوزین گولدره‌جک، شاد اولاجاقسان
بیر بویینی یوغون قانماز اولازار سنه مطلق	لیکن سنه یار اولماز او بی‌عرضه محقق
زیرا که او نامرد، او فرومایه او آلچاق	آلمش بوشلسین سن کیمی چوخ بی‌پدر ای قیز

(همان: ۶۹)

- گمان نبر که از غم و غصه آزاد خواهی شد / اقبال صورتت خندانده، تو را شاد خواهد کرد

- یک گردن کلفت نفهم مطلق شوهر تو خواهد شد / لیکن آن بی‌عرضه حقیقتاً یار تو نخواهد شد

- زیرا آن نامرد، آن فرومایه و پست / با بی‌پدرهای بسیاری چون تو ازدواج می‌کند که طلاق دهد ای دختر

نسیم شمال در این مورد دختران را مخاطب قرار نمی‌دهد بلکه مردان را مورد خطاب قرار می‌دهد و با نهی چند همسری، از ایشان می‌خواهد که به یک زن قناعت کنند:

ببر یک زن تو در فصل جوانی

دو زن باشد بلای ناگهانی

(گیلانی، ۱۳۷۱: ۲۸۷)

در شعر دیگری خطاب به مرد هفتاد ساله‌ای که قصد ازدواج مجدد دارد چنین سفارش می‌کند:

چار پسر داری همه قلچماق

زود بده مادرشان را طلاق

فکر سه زن کن ز ره اشتیاق

(همان: ۱۹۸)

که مشخص می‌کند طلاق زنان بی‌دلیل و تنها به دلیل هوسبازی مردان اتفاق می‌افتاده است.

نتیجه بحث

مسائل مربوط به زنان و مشکلات فرهنگی و اجتماعی ایشان از محوری‌ترین مضامین شعر مشروطه محسوب می‌شود. این مضمون تقریباً در شعر تمام شاعران فارسی‌زبان و بیش‌تر شاعران ترک‌زبان آن دوران بازتاب دارد. میرزا/علی معجز شبستری و سید/شرف‌الدین گیلانی از تواناترین شاعران عصر مشروطه هستند که هر دو موضع‌گیری‌هایی نزدیک به هم در مورد مسائل زنان دارند.

آموزش زنان و لزوم آموختن سواد برای دختران و زنان پربسامدترین مسأله بازتاب یافته در شعر هر دو شاعر است. معجز شبستری، آموختن سواد به دختران را سبب بی‌نیاز شدن ایشان از مردان بیگانه می‌داند؛ زیرا با آموختن سواد برای خواندن یا نوشتن نامه‌ای به مردان غریبه مراجعه نکرده، اسرار زندگی خصوصی‌اش را نزد دیگران فاش نمی‌سازند. سید/شرف‌الدین گیلانی، درس خواندن دختران را سبب کمالات دختران و بیداری و آگاهی ایشان می‌داند.

هر دو شاعر تأسیس مدارس برای آموزش زنان را ضروری می‌دانند و به مذهبیون مخالف آموزش در شعر خود اعتراض می‌کنند. میرزا/معجز شبستری با زبانی تند و گزنده روحانیون مخالف آموزش دختران را مورد خطاب قرار می‌دهد؛ اما در شعر/شرف‌الدین گیلانی این اعتراض بسیار پوشیده عنوان می‌شود. به نظر می‌رسد دلیل اصلی این مسأله

اعتقادات مذهبی و اسلام‌گرایی او است. هر دو شاعر زنان ایران را با زنان کشورهای دیگر مقایسه می‌کنند، معجز شبستری زنان ایران را با زنان روسی و سید/شرف‌الدین با زنان کشورهای اروپایی مقایسه می‌کند. هر دو شاعر آرزو دارند زنان ایران نیز چون زنان سایر کشورها با تحصیل علم، دارای فضیلت، هنر و کمالات شوند. هر دو شاعر آموختن سواد و آگاهی دادن به دختران را سبب برجیده شدن بساط خرافات می‌دانند.

هر دو شاعر در خصوص حجاب دختران و زنان موضع‌گیری مشابهی دارند و فعالیت‌های اجتماعی زنان و دختران را با رعایت پوشش، می‌پذیرند. البته به نظر می‌رسد موضع‌گیری سید/شرف‌الدین کمی تندروانه‌تر از معجز شبستری است. معجز شبستری تنها در یک قسمت از دیوان اشعارش به مسأله پوشش زنان می‌پردازد و می‌گوید دختران و زنان باید بدن خود را بپوشانند اما صورت خود را باز کرده، به فعالیت‌های اجتماعی چون تحصیل و شغل بپردازند؛ اما عدم تکرار این موضوع در شعر معجز نشان‌دهنده اهمیت اندک موضوع در نگاه شاعر است. سید/شرف‌الدین چندین بار به موضوع پوشش زنان در اشعارش می‌پردازد و تحصیل زنان را با رعایت حجاب و عفت ضروری می‌داند. تکرار این موضوع در شعر سید/شرف‌الدین اهمیت موضوع را در فکر و ذهن او آشکار می‌کند.

معجز شبستری در مورد مشاغل زنان تفکرات جسورانه و پیشروی دارد. او معتقد است باید زنان و دختران بتوانند در تمام مشاغل چون قصابی، نجاری، طبابت و ... مشغول به کار شوند و به خاطر تأمین مخارج زندگی مجبور به زندگی با افراد پست نباشند، اگرچه سید/شرف‌الدین در این خصوص اشاره‌ای جزئی دارد، اما حدود این مسأله را مشخص نمی‌کند.

در شعر معجز ازدواج دختران در سنین کودکی، ازدواج با مردان بوالهوس، اسارت ایشان در دست مردان به خاطر مخارج زندگی و طلاق زنان، مورد توجه ویژه قرار گرفته است. در شعر سید/شرف‌الدین نیز این موضوعات اغلب با مخاطب قرار دادن مردان بوالهوس، نهی ایشان از هوسبازی و چندهمسری مورد توجه قرار گرفته است.

کتابنامه

- آرین‌پور، یحیی. ۱۳۸۲ش، *از صبا تا نیما*، تهران: زوآر.
- تاج السلطنه. ۱۳۶۲ش، *خاطرات تاج السلطنه*، به کوشش منصوره اتحادیه، تهران: تاریخ.
- دولت‌آبادی، یحیی. ۱۳۶۲ش، *حیات یحیی*، جلد ۳، تهران: فردوسی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۸۳ش، *ادوار شعر فارسی*، چاپ دوم، تهران: سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۹۰ش، *با چراغ و آینه، در جست‌وجوی ریشه‌های تحوّل شعر معاصر ایران*، چاپ دوم، تهران: سخن.
- فتحی، مریم. ۱۳۷۹ش، *جایگاه زن در انقلاب مشروطیت*، تهران: انجمن زنان پژوهشگر تاریخ.
- کار، مهرانگیز. ۱۳۷۶ش، *حقوق سیاسی زنان ایران*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- کراچی، روح‌انگیز. ۱۳۸۷ش، *مشروطه و زنان شاعر*، تهران: انجمن پژوهشی ایران‌شهر.
- کریمی موغاری، فریده. ۱۳۸۲ش، *شمیم نسیم، زندگی و شعر سیداشرف‌الدین حسینی گیلانی (نسیم شمال)*، تهران: ثالث.
- گیلانی، اشرف‌الدین. ۱۳۷۱ش، *کلیات جاودانه نسیم شمال سیداشرف‌الدین گیلانی*، به کوشش حسین نمینی، تهران: اساطیر.
- لنگرودی، شمس. ۱۳۷۸ش، *تاریخ تحلیلی شعر نو*، تهران: مرکز.
- معجز شبستری، علی. ۱۳۶۵ش، *کلیات میرزا علی معجز شبستری*، جلد ۱-۲، تبریز: کتابخانه فردوسی، نشر لاله.
- نصرتی، عبدالله. ۱۳۷۹ش، *یاد آر ز شمع مرده، یاد آر (تحلیل اجتماعی شعر مشروطیت)*، همدان: مفتون.
- یزدانی، زینب. ۱۳۸۶ش، *زن و شعر*، تهران: تیرگان.

مقالات

- بوشهری، مهدی. ۱۳۹۴ش، «بررسی تطبیقی سبک ادبی میرزا علی‌اکبر صابر طاهرزاده و اشعار سیداشرف‌الدین گیلانی»، *ادبیات پارسی معاصر*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره ۲، صص ۱-۳۳.
- توکلی محمدی، محمودرضا و محمدعلی آذرشب و معصومه شبستری. ۱۳۹۴ش، «زن در شعر صدقی زهاوی و ملک‌الشعراى بهار»، *مطالعات ادبیات تطبیقی*، سال نهم، شماره ۳۴، صص ۷-۳۰.
- سیفی، محسن و علی اسدی‌پور و سجاد اسماعیلی. ۱۳۹۳ش، «نقد تطبیقی آزادی زنان در اشعار سعادت‌الصباح و سیمین بهبهانی»، *زن و فرهنگ*، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۴۱-۵۵.

- فقیهی، حسین و مهرناز عسگری. ۱۳۹۴ش، «مقایسه طنز اجتماعی دهخدا و سیداشرف‌الدین گیلانی»، رفاه اجتماعی، سال چهاردهم، شماره ۵۴، صص ۳۱۷-۳۴۵.
- کازرونی، سیداحمد حسینی. ۱۳۹۰ش، «نگاهی به ادبیات متعهد در غرب و تأثیر آن بر شعر مشروطیت»، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۱۳۵-۱۵۲.

Bibliography

- Arinpour, Yahya. 2003, from Saba to Nima, Tehran: Zavar.
- Taj Al-Saltanah. 1983, Memoirs of Taj Al-Saltanah, by Mansoureh Etehadiyeh, Tehran: Tarikh Dawlatabadi, Yahya. 1983, Hayat Yahya, Volume 3, Tehran: Ferdowsi.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. 2004, Persian Poetry Periods, Second Edition, Tehran: Sokhan Sokhan.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. 2011, with lights and mirrors, in search of the roots of the evolution of contemporary Iranian poetry, second edition, Tehran: Sokhan.
- Fathi, Maryam 2000, The Status of Women in the Constitutional Revolution, Tehran: Association of Women History Researchers.
- Kar, Mehrangiz. 1997, Iranian Women's Political Rights, Tehran: Enlightenment and Women's Studies.
- Karachi, Ruhangiz. 2008, Constitution and Women Poets, Tehran: Iranshahr Research Association.
- Karimi Moghari, Farideh. 2003, Shamim Nasim, Life and Poetry of Seyed Ashrafuddin Hosseini Gilani (North Nasim), Tehran: Sales.
- Gilani, Ashrafuddin 1992, The Eternal Generalities of the North Breeze of Seyyed Ashrafuddin Gilani, by Hossein Namini, Tehran: Asatir.
- Langroudi, Shams. 1999, Analytical History of New Poetry, Tehran: Markaz.
- Mojez Shabestari, Ali. 1986, Generalities of Mirza Ali Mojaz Shabestari, Volume 1-2, Tabriz: Ferdowsi Library, Laleh Publishing.
- Nosrati, Abdullah 2000, Remembering the Dead Candle, Remembering (Social Analysis of Constitutional Poetry), Hamedan: Maftun.
- Yazdani, Zeinab 2007, Woman and Poetry, Tehran: Tirgan.

Articles

- Bushehri, Mehdi 2015, "A Comparative Study of the Literary Style of Mirza Ali Akbar Saber Taherzadeh and the Poems of Seyyed Ashrafuddin Gilani", Contemporary Persian Literature, Institute of Humanities and Cultural Studies, Fifth Year, No. 2, pp. 1-33.
- Tavakoli Mohammadi, Mahmoud Reza and Mohammad Ali Azarshab and Masoumeh Shabestari. 2015, "Women in the Poetry of Sedghi Zahavi and Malek Al-Shoaraye Bahar", Studies in Comparative Literature, Year 9, No. 34, pp. 7-30.
- Seifi, Mohsen and Ali Asadipour and Sajjad Ismaili. 2014, "Comparative Critique of Women's Freedom in the Poems of Saad Al-Sabah and Simin Behbahani", Women and Culture, Year 6, No. 22, pp. 41-55.
- Faqihi, Hossein and Mehrnaz Asgari. 2015, "Comparison of social humor of Dehkhoda and Seyed Ashrafuddin Gilani", Social Welfare, Fourteenth Year, No. 54, pp. 317-345.

Kazeruni, Seyed Ahmad Hosseini 2011, "Taking a Look at Committed Literature in the West and Its Impact on Constitutional Poetry", Comparative Literature Studies, Fifth Year, No. 18, pp. 135-152.



**Investigating the position of women in the poems of Mojez Shabestari and
Seyed Ashrafoddin Gilani**

Date of Received: June 12, 2021

Date of acceptance: July 31, 2021

Ziba Ismaeili

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Tarbiat Dabir Shahid
Rajaei University, Tehran, Iran. smaeili_ziba@yahoo.com

Abstract

The Constitutional Revolution considered women's issues as one of the most central social issues. Turkish poets, along with Persian poets, published social problems related to women. Poets such as Mojez Shabestari and Seyyed Ashrafuddin Gilani are in this category. This study examines the commonalities and differences of the two poets' thought lines in issues related to women based on the comparative-descriptive method to analyze and evaluate the issues reflected in the poetry of the two poets and their social stance on the issue of women. Education of women, establishment of schools for girls, struggle against religious people against education, comparison of Iranian women with women of other countries, struggle against superstitions and raising awareness for women, freedom of women by observing hijab, women's jobs and their marriage are the most central themes in poetry of both poets. Both poets emphasize the education of women and object to religious opposition to the education of girls. Mojez emphasizes the employment of women, but Syed Ashraf al-Din does not clearly state his position on women's employment.

Keywords: Comparative Literature, Turkish Poetry, Constitutional Period, Gender Literature.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی